

Presenting and validating the policy evaluation model of the National Accounts Court based on the dimensions of financial transparency with a mixed method

- Morteza Ghobdian^۱
- Alireza Matofi^۲
- Ali Farhadi Mohali^۳
- Mojtaba Tabari^۴

Abstract

The purpose of this research is to "provide a model for evaluating public policies based on the dimensions of financial transparency". In this regard, while reviewing the concepts of the policies of the Court of Accounts and financial transparency, using a mixed method (qualitative-quantitative), the evaluation model of public policies based on the dimensions of financial transparency was presented. The studied community in the qualitative section includes experts, professors and experts in the field of finance and accounting, and in the quantitative section, there are experts in this field. The size of the studied sample in the qualitative section is selected by the snowball method and theoretical saturation, and in the quantitative section, a statistical sample of ۳۰ people is determined for Dimetal analysis. In order to collect data in this research, a semi-structured interview was used in the qualitative part and a questionnaire was used in the quantitative part, the validity of which was checked by experts in the form of content validity. In order to analyze the data in the qualitative phase, using open, axial and selective coding in the Max Quda software, and in the quantitative phase, it was used by DeMetal to verify the components and the model. The results showed that in the coding stage, ۱۰ components and ۵۱ indicators were identified by Max Kyuda software. These components include ۱- management factors; ۲- Expertise and skill; ۳-laws and regulations; ۴- organizational environment;-administrative health; ۵-government budget; ۶-organizational resources; ۷-remedial strategies; ۸-organizational consequences and ۹-public consequences. The results also showed that managerial factors, expertise and skills, rules and regulations, organizational environment and administrative health affect each other. Based on this, the variables of managerial factors and laws and regulations are causal variables; And the variables of expertise and skill, organizational environment and administrative health are disabled variables. Among all the examined criteria, the criterion of managerial factors has the most effectiveness among other criteria and the criterion of administrative health has the most effectiveness.

Keywords: policies, State Accounts Court, financial transparency

^۱ PhD student, Department of Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

^۲ Associate Professor, Department of Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran, (Responsible Author), Email:alirezamaetoofi@gmail.com

^۳ Associate Professor, Department of Management, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan, Iran

^۴ Associate Professor of Qaimshahr Management Department, Qaimshahr Islamic Azad University, Iran

ارائه و اعتبار سنجی الگوی ارزیابی خط مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی با روش آمیخته

- مرتضی عبدیان^۱
- علیرضا معطوفی^۲
- علی فرهادی محلی^۳
- مجتبی طبری^۴

چکیده

هدف از این تحقیق "ارائه الگوی ارزیابی خط مشی‌های عمومی مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی" می‌باشد. در این راستا ضمن مروری بر مفاهیم خط مشی‌های دیوان محاسبات و شفافیت مالی با استفاده از روش آمیخته (کیفی-کمی) به ارائه و اعتبار سنجی الگوی ارزیابی خط مشی‌های عمومی مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی پرداخته شد. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل خبرگان، اساتید و صاحب‌نظران حوزه مالی و حسابداری است و در بخش کمی کارشناسان این حوزه می‌باشد. حجم نمونه مورد مطالعه در بخش کیفی با روش گلوله برفی و اشباع نظری انتخاب شده و در بخش کمی نمونه آماری ۳۰ نفر جهت تحلیل دیمتل تعیین گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته در بخش کیفی و در بخش کمی از پرسشنامه استفاده شده که روایی آن به صورت روایی محتوا توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در فاز کیفی با استفاده از کد گذاری باز و محوری و گزینشی در نرم افزار مکس کیودا و در فاز کمی توسط دیمتل جهت تأیید مؤلفه‌ها و مدل استفاده شد. نتایج نشان داد که در مرحله کد گذاری ۱۰ مؤلفه و ۵۱ شاخص به وسیله نرم افزار مکس کیودا شناسایی شدند. این مؤلفه‌ها شامل ۱-عوامل مدیریتی؛ ۲-تخصص و مهارت؛ ۳-قوانین و مقررات؛ ۴-محیط سازمانی؛ سلامت اداری؛ ۶-بودجه دولتی؛ ۷-منابع سازمانی؛ ۸-راهبردهای اصلاحی؛ ۹-پیامدهای سازمانی و ۱۰-پیامدهای عمومی می‌باشند. نتایج همچنان نشان داد عوامل مدیریتی، تخصص و مهارت، قوانین و مقررات، محیط سازمانی و سلامت اداری بر یکدیگر اثر می‌گذارند. بر این اساس متغیرهای عوامل مدیریتی و قوانین و مقررات متغیرهایی علی؛ و متغیرهای تخصص و مهارت، محیط سازمانی و سلامت اداری متغیرهای معلول می‌باشند. از میان کلیه معیارهای مورد بررسی، معیار عوامل مدیریتی دارای بیشترین اثرگذاری در میان سایر معیارها و معیار سلامت اداری دارای بیشترین اثرپذیری می‌باشند.

واژه‌های کلیدی: خط مشی‌ها، دیوان محاسبات کشور، شفافیت مالی

۱- دانشجوی دکتری گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۲- دانشیار گروه مدیریت واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران، (نویسنده مسئول)،
ایمیل: alirezamaetoofi@gmail.com

۳- استادیار گروه مدیریت، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران

۴- دانشیار گروه مدیریت واحد قائمشهر، دانشگاه آزاد اسلامی قائمشهر، ایران

امروزه، ارائه الگویی خاص برای خط‌مشی‌گذاری که توان پاسخ‌گویی و کارسازی در شرایط متغیر و متحول را دارا باشد، کار بسیار مشکلی است. در چنین موقعیتی باید در پی الگوهایی بود که قابلیت آن‌را داشته باشد که در برابر شرایط متغیر امروز، بتواند از طریق تلفیق و ترکیب و با انعطاف‌پذیری کافی، برای نیازهای جامعه پاسخی درخور و مناسب ارائه کند (الوانی، ۱۳۹۵). پاسخ‌گویی مؤثر مستلزم وجود اطلاعات کافی و معتبر درباره عملکرد دولت برای ارائه به مردم است. بخش مهمی از اطلاعات مورد نیاز برای پاسخ‌گویی دولت از طریق نظام‌های حسابداری و گزارشگری مالی تأمین می‌شود (کمیته تدوین استانداردهای حسابداری، ۱۳۹۵). آنچه مسلم است پیگیری سعادت به دست فرد یا شخص خاصی نمی‌باشد، خوشبختی و رفاه باید مورد توجه همه جامعه باشد، که لازمه آن مشارکت دولت‌ها، سازمان‌ها و نهادهای ذیربط از طریق مناسب‌ترین اقدامات از طریق خط‌مشی‌های عمومی اتخاذ شده می‌باشد (زلاتسکو و مارینیکا، ۲۰۲۰). آرمان‌های دموکراسی و حکمرانی خوب، بدون برخورداری جامعه از محیطی امن و سالم امکان تحقق ندارند. خط‌مشی‌گذاری در حیطه سلامت نظام اداری منجر به ایجاد بستر مناسبی در راستای به وجود آمدن محیط امن ارائه خدمات عمومی می‌گردد. در کشورهای در حال توسعه، لازم است که صورت‌بندی و شکل‌گیری مناسب خط‌مشی در حیطه سلامت نظام اداری، از طریق شیوه‌های اثرگذار و مداخله‌جویانه انجام گردد (دانش‌فرد و رجایی، ۱۳۹۷).

وقوع تغییر و تحولات فناورانه و مرز گستری علم و دانش، باعث به چالش کشیده شدن تمام ساختارها، نهادها و کارکردهای اداره عمومی جامعه شده و سازمان‌ها جهت بقا در چنین شرایطی نیازمند ابداع ساختارهای تازه و طراحی استراتژی‌های جدید هستند. یکی از ابزارهایی که به سازمان‌ها در تأمین اهدافشان یاری می‌رساند، شفافیت سازمانی است. در عصر حاضر دولت به‌عنوان نماینده مردم برای اداره کشور دارای اختیارات منحصر به فردی مانند اخذ مالیات و فروش نفت و هم‌چنین ارائه خدمات عمومی مانند آموزش، بهداشت و امنیت ملی است. این اختیار به تبع خود تکالیفی را برای دولت ایجاد می‌کند که پاسخ‌گویی در برابر ملت، بر اساس اصل ۱۲۲ قانون اساسی، از مهم‌ترین این تکالیف است. بر این اساس شفافیت مالی ضمن آنکه دولت و مجلس را پاسخگوتر می‌سازد، انتظارات از عملکرد دولت را تعدیل می‌کند، امکان اجماع عمومی در مورد اولویت‌های کشور را بیشتر فراهم می‌کند، فساد را کاهش می‌دهد و بخش خصوصی نیز می‌تواند با

ریسک مالی کمتری از ناحیه دولت، برنامه‌های خود را تنظیم کند. وضوح و شفافیت بیشتر اطلاعات، جوامع را قادر می‌سازد تا تصمیمات آگاهانه‌تری بگیرند و پاسخگویی دولت را ارتقاء و حوزه فساد را کاهش دهند. شفافیت بیشتر همچنین برای اقتصاد ضروری است، چرا که تخصیص منابع را بهبود بخشیده کارایی را افزایش می‌دهد و چشم‌انداز رشد را بهبود می‌بخشد. بررسی دیدگاه‌های صاحب‌نظران نشان می‌دهد که شاخص‌های ارزیابی شفافیت و پاسخگویی جزء جدایی‌ناپذیر نظام‌های ارزیابی عملکرد محسوب می‌شود. به بیان دیگر، تا زمانی که شاخص‌های مشخصی وجود نداشته باشد، ارزیابی عملکرد در هیچ سطحی امکان‌پذیر نخواهد بود. در این راستا چالشی که سیاست‌گذاران بخش عمومی با آن درگیر هستند، نبود چارچوب مشخص در مورد ابعاد اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، سازمانی و نهادی مؤثر بر شفاف‌سازی اطلاعات در بخش عمومی است. لذا چگونگی تعیین و چپستی الگوی خط مشی دیوان محاسبات مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی از بطن دیدگاه‌های متفاوت نسبت به آن، به‌عنوان سؤال تحقیق حاضر در نظر گرفته شده است.

امروزه، ارائه الگویی خاص برای خط‌مشی‌گذاری که توان پاسخ‌گویی و کارسازی در شرایط متغیر و متحول را دارا باشد، کار بسیار مشکلی است. در چنین موقعیتی باید در پی الگوهایی بود که قابلیت آن را داشته باشد که در برابر شرایط متغیر امروز، بتواند از طریق تلفیق و ترکیب و با انعطاف‌پذیری کافی، برای نیازهای جامعه پاسخی درخور و مناسب ارائه کند. از طرفی، امروزه بحث رفاه عمومی به‌عنوان کانون محوری سیاست‌گذاری‌ها بوده و مورد توجه و اهمیت اکثر دولت‌ها قرار گرفته است. دولت‌ها، به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی می‌باشند، که از طریق آن‌ها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه بیشتر برسانند و سعادت و رفاه عمومی را برای آنان به ارمغان آورند. انسان‌ها همواره در تعامل و ارتباط با یکدیگر به دنبال تعالی بوده، که با تکیه بر آن، در کمال آرامش و آسایش، و همچنین امنیت و رفاه، به سر برند. با بررسی تاریخ تمدن بشری در می‌یابیم که تلاش‌هایی در این حوزه صورت گرفته، و البته بسیاری از آن‌ها ناکام مانده است، و این امر، ضرورت تحقیق در این حوزه را دو چندان می‌نماید.

در خصوص نوآوری تحقیق حاضر می‌توان گفت تا کنون خط‌مشی‌های ارائه شده از ابعاد شفافیت مالی در بین محققین سیاست‌گذاری معمولاً در سطح دولت‌های ملی (آراپیس و ریتانو^۱، ۲۰۱۷)، مناطق جغرافیایی (آبالیت^۲ و همکاران، ۲۰۱۳) و همچنین دولت‌های محلی (گامانو و همکاران^۳، ۲۰۱۳؛ گولامون^۴ و همکاران، ۲۰۱۱) انجام شده و این پژوهش برای نخستین به دنبال چارچوب جامعی برای خط‌مشی عمومی مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی در بخش عمومی کشور با رویکرد داده بنیاد بوده و در این راستا ضمن توجه به جنبه‌های نظری و رعایت اصول شفاف‌سازی اطلاعات مالی، جنبه‌های عملی و کاربردی را لحاظ می‌نماید، به نحوی که ذی‌حسابان و مدیران مالی بخش عمومی در اجرای آن با مانعی مواجه نگردند. ویژگی این طرح توجه به محدودیت‌های قانونی موجود و شناسایی ابعاد شفافیت مالی است به طوری که نه تنها هیچ‌گونه تضادی با قوانین و دستورالعمل‌های موجود در آن وجود ندارد، بلکه از ظرفیت‌های قانونی موجود بهره برده است.

مبانی نظری و پیشینه تحقیق

خط‌مشی‌گذاری عمومی

حکمرانی و خط‌مشی‌گذاری خوب مفهومی است که نشان از تغییر پارادایم نقش دولت‌ها و حکومت‌ها می‌باشد. این مفهوم با هدف دستیابی به توسعه انسانی پایدار مطرح گردیده که در آن بر کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط‌زیست و رشد و توسعه زنان تأکید می‌گردد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۱). شکل‌گیری خط‌مشی سلامت اداری پدیده‌ای بغرنج، و نتیجه هماهنگی نهادهای متعددی نظیر رسانه‌ها، بخش دولتی، بخش خصوصی، شبکه‌ها، جامعه مدنی، کانون‌های تفکر، قوه قضاییه و مقننه می‌باشد، که این نهادها ستون‌های اصلی سیستم سلامت ملی هستند. اگر هر یک از عواملی که ذکر شد ناکارآمد باشد، خط‌مشی شکل‌گیری شده در حوزه سلامت اداری، اندک اندک دستخوش عدم اجرا یا استحاله در اجرا خواهد گشت و کارآمدی نخواهد داشت (دانش‌فرد و رجایی، ۱۳۹۷). خط‌مشی‌گذاری اصطلاحی است که معمولاً با مفهوم دولت همراه

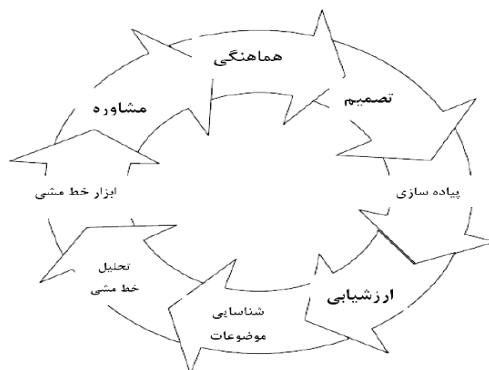
^۱ Arapis and Reitano

^۲ Albalate

^۳ Caamano

^۴ Guillamon

می‌باشد، و به آن خط‌مشی عمومی گفته‌اند (گرچی پور و همکاران، ۱۳۹۸). خط‌مشی‌گذاری دارای نقطه‌نهایی نیست، خاتمه نمی‌یابد، بلکه تعدیل، تصحیح و یا بازنگری می‌شود و در نهایت خاتمه یافته و از دستور کار خارج می‌شود. به‌طور کلی می‌توانیم هر آنچه که سازمان‌ها تصمیم می‌گیرند تا به انجام رسانند و یا از اجرای آن ممانعت نمایند را به‌عنوان خط‌مشی تلقی نماییم. (دانش‌فرد و ابوالمعالی، ۱۳۹۵). خط‌مشی به مجموعه‌ای از اصول استاندارد اشاره می‌کند که راهنمای مسیر حرکت می‌باشد. بسیاری از خط‌مشی‌های عمومی از حیث قانونی الزام‌آور می‌باشند، به بیان دیگر اینکه ضروری است که افراد و نهادهای بخش دولتی و خصوصی از آن‌ها پیروی کنند. در مقابل، سیاست‌هایی که به‌وسیله مؤسسات خصوصی تعیین می‌گردد فاقد الزام قانونی است، ولی رعایت نمودن آن در داخل مؤسسه الزامی است (پولاک پورتر و همکاران، ۲۰۱۸). خط‌مشی‌گذاری فرآیندی چندین مرحله‌ای است. به این‌صورت که عوامل بسیاری که نقش‌های اساسی دارند، وظیفه‌های گوناگون و متعددی را در جهت انجام و اجرای فرآیند خط‌مشی‌گذاری ایفا می‌کنند. درباره فرآیند خط‌مشی‌گذاری مطالبی مطرح شده است که بر مراحل مختلفی از این فرآیند تأکید و تصریح کرده‌اند. طوری که پیتربریجمن و گلین دیوی فرآیند خط‌مشی را طبق شکل زیر در هشت مرحله توصیف و تشریح کرده‌اند: شناسایی مسئله، تحلیل خط‌مشی، ابزار خط‌مشی، مشاوره، هماهنگی، تصمیم، پیاده‌سازی و ارزشیابی موضوعات. (۱۳۹۴، حاجی‌پور و همکاران).



شکل ۱- چرخه خط‌مشی‌گذاری (بریجمن و دیویس، ۲۰۰۳).

^۱ - Pollack Porter, K. M., Rutkow, L., & McGinty, E. E.

^۲ - Bridgman, P., & Davis, G.

فرآیندهای قانون‌گذاری خط‌مشی‌گذاری عمومی که بر پایه یکپارچگی، مشارکت و شفافیت بنا شده‌اند، برای طراحی و اجرای خط‌مشی‌های مؤثر و دارای کارایی لازم امری ضروری به حساب می‌آیند، و نتیجه آن حفظ اعتماد شهروندان به حکومت است. نه تنها لازم است که خط‌مشی‌های عمومی در پی منافع عمومی باشند، بلکه ضروری است در عمل موجودیت و نگرانی‌های گروه‌های مشروع با منافع رقابتی مختلف، و نیز مشارکت واضح آنان در نفوذ بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تأیید و تأمین کنند (ابراهیمی و عین‌علی، ۱۳۹۸).

افشای اطلاعات و شفافیت مالی

پاسخگویی شفاف در هر زمینه‌ای از ساختار سازمانی، یکی از ضرورت‌های کلیدی و از ارکان اصلی مدیریت دولتی در شرایط کنونی است که تصویری از سلامت و شفافیت امور سازمانی در ذهن متبادر می‌سازد (تیمونز و گارفیاس^۱، ۲۰۱۵؛ ویلیامز^۲، ۲۰۱۵). از جمله پیامدهای اقتصادی اطلاعات مالی قابل مقایسه، ایجاد شرایط رقابت کامل و فرصت‌های برابر در بازار سرمایه، افزایش توان پیش‌بینی‌کنندگان از اطلاعات مالی و افزایش ارزش شرکت است. به همین خاطر درک و فهم عواملی که باعث افزایش این ویژگی کیفی می‌گردند دارای اهمیت بسیار زیادی است (امیری و همکاران، ۱۳۹۹). ایده شفافیت به سال (۱۸۹۰) و به کار آدامز بر می‌گردد که استفاده از تبلیغات را برای محدود کردن فساد در شرکت‌ها تشویق می‌نمود (سیدنقوی و فراهانی، ۱۳۹۲). در سال‌های اخیر نیز شفافیت سازمانی مورد توجه محققان بسیاری قرار گرفته است و به دفعات در مباحث و گفت‌وگوهای تجاری و مالی با تأکید بر اصول اخلاقی مرتبط با افشاء اطلاعات و پاسخگویی اجتماعی سازمان‌ها مورد استفاده قرار گرفته است، زیرا فقدان شفافیت به عنوان یکی از اساسی‌ترین عوامل ایجاد بحران سازمان‌ها شناخته شده است (هلند و همکاران، ۲۰۱۸). شفافیت به عنوان یک اصل اساسی برای مدیریت عمومی و حکمرانی محسوب شده و در علوم اجتماعی معمولاً به عنوان ابزاری قدرتمند جهت دستیابی به اهداف اجتماعی مطلوب نظیر تقویت پاسخگویی و کاهش فساد تلقی می‌گردد (ایجیوگو و همکاران، ۲۰۱۹). جهت سنجش شفافیت گزارشگری مالی ممکن است

^۱ - Timmons, J. F., & Garfias, F.

^۲ - Williams, A.

^۳ - Ejioogu, A., Ejioogu, C., & Ambituuni, A.

از معیارهای تک بعدی و یا چند بعدی استفاده شود. در تحقیقات پیشین برای اندازه گیری شفافیت گزارشگری مالی از شاخص‌های تک بعدی آن همچون، هموارسازی سود، افشای اختیاری، کیفیت سود، کیفیت اقلام تعهدی و دقت اطلاعات مالی برای تبیین ارتباط با متغیر توانایی مدیران، و همچنین مدیریت سود تعهدی و نیز مدیریت سود واقعی برای بررسی با متغیر دانش مالی مدیران استفاده شده است (دمرجیان و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ گونوپولوس و فام^۲، ۲۰۱۷). با وجود اینکه شفافیت سازمانی موضوع تازه‌ای نمی‌باشد، توجه زیادی به مفهوم آن نشده است و اکثر پژوهش‌ها در این زمینه، شفافیت سازمانی را به مفهوم افشای اطلاعات بررسی نموده‌اند. موضوع سازمان شفاف، نیازمند ترکیب گسترده‌ای از نگرش‌ها و ویژگی‌های مناسبی از فرهنگ مناسب می‌باشد (دیپیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). ده‌ها سال می‌باشد که دانشمندان و دست‌اندرکاران حوزه‌های روابط عمومی، روزنامه نگاری، اقتصاد، امور مالی، سیاست، حاکمیت شرکت‌ها و حسابداری از مزایای شفافیت به عنوان یک رفتار سازمانی هنجاری حمایت نموده‌اند (هلند و همکاران^۳، ۲۰۱۸).

رفاه عمومی

امروزه بحث رفاه عمومی به عنوان کانون محوری سیاست‌گذاری‌ها است، و مورد توجه و اهمیت اکثر دولت‌ها است. دولت‌ها در دنیای امروزی، به دنبال طراحی و اجرای برنامه‌ها و سیاست‌هایی می‌باشند، که از طریق آن‌ها بتوانند کشور و مردم خود را به پیشرفت و توسعه بیشتر برسانند، و سعادت و رفاه عمومی را برای آنان به ارمغان آورند. انسان‌ها همواره در تعامل و ارتباط با یکدیگر به دنبال تعالی بوده، که با تکیه بر آن، درکمال آرامش و آسایش، و همچنین امنیت و رفاه، به‌سر برند. با بررسی تاریخ تمدن بشری در می‌یابیم که تلاش‌هایی در این حوزه صورت گرفته، و البته بسیاری از آن‌ها ناکام مانده است، و این امر، ضرورت تحقیق در این حوزه را دو چندان می‌نماید (عیوضی و همکاران، ۱۳۹۶). مسائل عمومی، پدیده‌هایی وسیع و پردامنه هستند، و غفلت و ناتوانی در شناسایی آن‌ها سبب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی می‌شود. استفاده از الگویی جامع و اقتضایی جهت شناسایی مسائل عمومی، این امکان را برای کشور فراهم می‌نماید که اولویت‌ها و راهبردها را مشخص نماید،

^۱-Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S.

^۲-Gounopoulos, D., & Pham, H.

^۳ - Holland, D., Krause, A., Provencher, J., & Seltzer, T.

و به‌طور کامل اجرا کند (سلیمانی‌خوئینی و همکاران، ۱۳۹۸). مسائل عمومی، ورودی فرآیند خطامشی عمومی هستند که پتانسیل آن‌را دارند که عملکرد سازمان‌ها را به‌نحوی تحت‌تأثیر خود قرار دهند، و یکی از مراحل عمده فرآیند خطامشی‌گذاری، مرحله اجرا است (شیخ‌پور و سلاجقه، ۱۳۹۶). اگرچه شناسایی مشکلات و مسائل عمومی به‌نظر دشوار می‌رسد، ولی اولویت‌بندی آن‌ها دشوارتر است. ضمن اینکه تجربه مشخص نموده است که اهتمام به حل مسائل به‌مراتب دشوارتر از آن‌هاست. به‌همین دلیل، بسیار ضروری است که شناسایی و اولویت‌بندی مسائل عمومی در صدر مباحث خطامشی‌گذاری عمومی قرار گیرد، و به‌طور ویژه موردعنايت متفکران و مجریان این حوزه‌ها واقع شود (پورعزت و هاشمی‌کاسوایی، ۱۳۹۶). مسئله عمومی، دربرگیرنده ابعاد گسترده‌تری از اجتماع است، و مصالح عمومی را خدشه‌دار می‌نماید. این ابعاد ممکن است دربرگیرنده آموزش، اشتغال، رفاه، بهداشت، امنیت، جنگ و صلح، مسافرت، مسکن، بانکداری و یا هر امر دیگری باشد. اما نکته جالبی که در این زمینه توجه را برمی‌انگیزد این است که مسئله‌ای که جنبه عمومی دارد، بیش از اینکه بر یک شخص یا اشخاص خاص تأثیرگذار باشد، کمبود یا نقصانی است که به مردم بسیار آزار می‌رساند، و موجب ایجاد محدودیت‌های اساسی در زندگی روزمره آن‌ها شده است، یا چالشی است که چگونگی تعامل و اداره آن، در آینده مردم بسیار تحت تأثیرگذار خواهد بود (شیخ‌پور و سلاجقه، ۱۳۹۶). در سال‌های پیشین، سیاست سعادت جهانی در سطح بین‌المللی تدوین گشته است. سیاستی که حقوق بشر در آن جایگاه مهمی دارد و از اولویت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین خوشبختی و رفاه شهروندان از دیگر عناصر اصلی تشکیل‌دهنده این سیاست می‌باشد. ایجاد و حفظ تعادل در این بخش موضوعی حساس و ظریف می‌باشد که روز به روز دچار تغییر می‌شود (زلاتسکو و مارنیکا^۱، ۲۰۲۰). کیفیت و کمیت خدمات رفاه عمومی، از کلیدی‌ترین شاخص‌های سنجش برخورداری یا عدم برخورداری یک منطقه از امکانات و تسهیلات است (امینی‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۷). لازمه^۲ افزایش رفاه بشری به‌عنوان یکی از مهمترین اولویت‌های توسعه اقتصادی، تغییرات ساختاری در روند توسعه می‌باشد. تغییرات ساختاری به‌عنوان فرآیندی در

^۱ - Zlătescu, I., & Marinică, C. E.

راستای ارتقای سطح رفاه اقتصادی تقریباً تمامی متغیرهای حقیقی اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (مهبینی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

حکمرانی

کلمه انگلیسی حکمرانی نشأت گرفته از زبان لاتین و یونان باستان بوده و به معنای کنترل، راهنمایی و دستکاری است. معنای حکمرانی از دیرباز با کلمه دولت همپوشانی داشته و بیشتر به‌منظور اشاره به فعالیت‌های اداری و سیاسی مربوط به امور عمومی ملی مورد استفاده قرار می‌گرفته است (کپینگ^۱، ۲۰۱۸). حکمرانی را می‌توان به عنوان حل مسائل با رویکرد جدید خط‌مشی‌گذاری و اجتماعی تعریف نمود. امروزه نهادهای ملی و بین‌المللی در سطح گسترده‌ای این اصطلاح را به کار می‌برند. حکمرانی عبارت است از فعالیت‌های سنتی دولت که به واسطه آن‌ها تعاملات اجتماعی نظام‌مند شده و هدایت می‌گردد (آهنی و همکاران، ۱۳۹۸). هر کشور و جامعه‌ای برای حفظ و بقاء حاکمیت خود به نیاز ابزارها و اهرم‌های نیرومندی دارد که یکی از مهم‌ترین بازوان اجرایی این حاکمیت، سازمان‌ها و نهادهای دولتی می‌باشند که با هدف خدمت‌رسانی به آحاد جامعه تأسیس و به‌عنوان مجریان منویات حکومتی و رابط بین مردم و عناصر حاکمیتی محسوب شده و با اعتماد و اتکا به این نهادها می‌توان اجرای طرح‌ها و اهداف راهبردی نظام حاکمیتی را انتظار داشت. وقوع تغییرات گسترش علم و دانش در حوزه‌های مختلف، تمامی ابعاد زندگی سازمانی و شخصی بشر را تحت‌الشعاع قرار داده است به‌گونه‌ای که دنیای کنونی دچار تحول بنیادین و دگرپرسی گردیده است (دیهیم‌پور و همکاران، ۱۳۹۷). از میان تمام تعاریف ارائه شده از حکمرانی، تعریفی که توسط کمیسیون حاکمیت جهانی مطرح گردیده است، یکی از روشن‌ترین و قطعی‌ترین آن‌ها می‌باشد. حکمرانی، مجموعه‌ای روش‌های گوناگون می‌باشد که افراد و نهادها، دولتی و خصوصی، امور مشترک خود را اداره می‌کنند. این یک روند مداوم می‌باشد که به واسطه آن می‌توان منافع متناقض یا متنوعی را کسب نمود و ممکن است اقدامات همکاری نیز انجام گیرد که شامل اختیار دادن به نهادها و رژیم‌های رسمی در راستای اجرای انطباق، و همچنین قرارهای غیررسمی می‌باشد که افراد و مؤسسات یا در مورد آن به توافق رسیده‌اند و یا تصور می‌کنند که به نفع آن‌ها می‌باشد

^۱ - KEPING, Y. F.

(کپینگ، ۲۰۱۸). حکمرانی روشی است که در آن خط‌مشی‌گذاران تصمیماتی می‌گیرند که بر طبق آن تصمیمات، امکان تحقق حقوق شهروندی فراهم آورده می‌شود (آهنی و همکاران، ۱۳۹۸). حکمرانی خوب از موضوعات جدید و مهمی است که امروزه در ادبیات توسعه مطرح می‌شود. این مسأله به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، جایگاه ویژه‌ای در جهت استقرار و نهادینه‌سازی جامعه مدنی، در سیاست‌های مرتبط با اعطای کمک‌ها پیدا کرده است. موضوع حکمرانی خوب با هدف دستیابی به توسعه پایدار آورده می‌شود، و کاهش فقر، ایجاد شغل و رفاه پایدار، حفاظت و تجدید حیات محیط زیست، و رشد و توسعه زنان در آن مورد تأکید است که با حکمرانی خوب می‌تواند محقق گردد. با وجود اینکه بحث درباره حکمرانی خوب در بسیاری از محافل علمی مطرح شده، اما بسیار مشاهده می‌گردد که استفاده‌کنندگان از این مفهوم از درک گوناگونی درباره آن برخوردار می‌باشند. اصطلاح حکمرانی یکی از جدیدترین اصطلاحات در مطالعه علم سیاست می‌باشد. واکاوی مفهوم حکمرانی گستردگی مفهوم آن را نمایان می‌سازد، به طوری که همه انواع اشکال حکمرانی نظیر حکمرانی شرکتی، محلی، ملی و بین‌المللی را شامل می‌شود (امینی‌شاد و همکاران، ۱۳۹۸). حکمرانی خوب و حقوق بشر دو مفهوم می‌باشد که غالباً در قرن گذشته توسط کشورها مورد استفاده قرار گرفته است، و نیز به واسطه پدیده جهانی شدن در سازمان‌های بین‌المللی با تمایل به ایجاد اتحاد در تنوع، تقویت گردیده است. که در تلاش برای شناسایی راه‌حل‌هایی می‌باشد که برای ارتقای سیاست‌های عمومی با هدف شادی و رفاه شهروندان، مؤثر می‌باشد (زلاتسکو و مارنیکا^۱، ۲۰۲۰). حکمرانی خوب دارای ابعاد و مؤلفه‌های گوناگونی می‌باشد. تبیین معیارها و شاخص‌های حکمرانی خوب از دیدگاه مبانی ارزشی و انطباق آن با مبانی علمی و قواعد تجربی از جهات گوناگونی در کشورمان حائز اهمیت است. ویژگی‌هایی همچون حاکمیت قانون و توجه به مردم، شفافیت امور، عدالت‌جویی، اجتماع محوری، توجه واکنش‌پذیری، مشارکت جویی، کارایی و اثربخشی و از همه مهمتر پاسخگویی نظام‌های حکومتی نه تنها مورد تأکید مردم، حکومت‌ها، نهادهای قدرت ملی و فراملی است، بلکه حکومت غیرپاسخگو از نظر مبانی ارزشی مطرود و استمرار آن از نظر مشروعیت و مقبولیت بر خلاف قواعد و اصول ارزشی است (سیار، ۱۳۹۹).

^۱ - Zlătescu, I., & Marinică, C. E.

سیار (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان "نقش قانون مدیریت خدمات کشوری در تحقق حکمرانی خوب" نشان دادند که قانون خدمات کشوری در سه حوزه (جذب و استخدام، نگهداری و آموزش)، خطمشی قانون خدمات کشوری را تعیین می‌نماید و قانون مدیریت خدمات کشوری زمانی می‌تواند نتیجه بخش باشد که شکل صحیح حاکمیتی آن در هر یک از بخش‌ها به دقت مشخص شده باشند. مصطفی روزبه و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان "ارائه الگوی خطمشی‌گذاری توسعه منابع انسانی با تاکید بر نقش‌های بازیگران و ترسیم روابط میان مولفه‌های الگو در دستگاه‌های دولتی ایران" یافتند شناسایی هفت بازیگر اصلی برای تحقق الگو می‌باشد و لزوم مشروعیت‌بخشی به الگو و بازیگر اصلی توسط یک نهاد عالی خطمشی‌گذار مثل مجلس شورای اسلامی است. مهم‌ترین نتایج این پژوهش قرارگیری مؤلفه بازطراحی نظام آموزش کارکنان با استفاده مکانیزم عقلایی در سطح اول که پژوهش‌گران پیشین نیز روی آن تأکید داشته‌اند و تشکیل یک مؤسسه عالی مستقل به عنوان محوری‌ترین بازیگر در موفقیت الگو می‌باشد. دانش‌فرد و رجایی (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان "راهبردهای شکل‌گیری مؤثر خطمشی در حیطه سلامت نظام اداری" نشان دادند برای شکل‌گیری اثربخش خطمشی در حوزه سلامت نظام اداری ۸ تم اصلی و ۱۱ تم فرعی، شامل ظرفیت یادگیری، توانمندسازی اجتماعی الکترونیک، تحول فرهنگی الکترونیک، توسعه اقتصادی الکترونیک، توسعه منابع انسانی الکترونیک، شفافیت، ظرفیت‌سازی الکترونیک، تکامل خطمشی، فشارهای وارده بر تصمیم‌سازان، تناسب در ظرفیت‌سازی‌ها با زیر ساخت الکترونیک، و ظرفیت‌سازی خطمشی، و همچنین ۴۴ شاخص در کدگذاری اولیه می‌باشد. حاجت‌پور و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "ارائه مدلی برای ارزیابی خطمشی‌های عمومی (پس از اجرا) با رویکرد حکمرانی شبکه (مورد مطالعه: سازمان تأمین اجتماعی)" نشان دادند که معیارها به‌ترتیب اولویت، معیار سیاسی از بعد مشارکت شبکه و زیر معیار اداری مشارکت شبکه در رتبه دوم و زیر معیار قضایی طراحی شبکه در رتبه آخر می‌باشد. شیخ‌پور و سلاجقه (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان "وضعیت مسئله‌یابی رسمی و میزان اجرای خطمشی‌های عمومی (مورد مطالعه: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی)" نشان دادند که وضعیت هر دو رویه مسئله‌یابی رسمی در این وزارتخانه، بیش از سطح میانگین و میزان اجرای خطمشی‌های عمومی، پایین‌تر از سطح میانگین و در سطح غیر رضایت‌بخش می‌باشد. همچنین در مسئله‌یابی مستقیم، مسئله‌یابی از طریق پیشی گرفتن سایر کشورها و در

مسئله‌یابی غیرمستقیم، مسئله‌یابی از طریق کارکنان بالاترین رتبه را داشته است. والتون^۱ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان "حکمرانی خوب، فساد و خدمات عمومی پاپوا گینه‌نو" نشان دادند که بحث در مورد حکمرانی خوب با تأمل بر چالش‌های متضاد پیش‌روی کارمندان دولت اهمیت داشته و بر آن تأکید می‌گردد. تلاش برای تغییر وضع موجود باید روابط خاص میان بوروکرات‌ها، نخبگان تجاری، سیاست‌مداران و شهروندان را در نظر بگیرد که در سراسر کشور متفاوت است. ایچیوگو و همکاران^۲ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان "وجه مبهم شفافیت: آیا ابتکار شفافیت صنایع استخراجی نیجریه به کمک می‌انجامد یا مانع پاسخگویی و کنترل فساد می‌شود؟" نشان دادند که چگونه افشای اطلاعات مضاعف، ضعف و فساد سیستم گزارش‌دهی و شیوه‌های سازمان‌های دولتی را پنهان کرده و مشروع می‌نماید. اهمیت فهم‌پذیری اطلاعات افشا شده را به عنوان یک الزام کلیدی برای شفافیت برجسته می‌شود. برجسته کردن ابزارهایی که دولت در تلاش برای به دست آوردن کنترل صنایع استخراجی نیجریه است و اینکه چگونه توانایی صنایع استخراجی نیجریه برای کارکردن به طور مؤثر به اراده سیاسی دولت در قدرت بستگی دارد، نشان می‌دهند که شفافیت یک فرایند اجتماعی پیچیده است. باهر و گریمز^۳ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان "شفافیت برای جلوگیری از فساد؟ مفاهیم، معیارها و شایستگی تجربی" اظهار داشتند که سیاست‌گذاران و محققان اغلب به اهمیت شفافیت دولت برای تقویت حسابداری، کاهش فساد و افزایش حکمرانی خوب اشاره می‌کنند. بولیوار و همکاران^۴ (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان "حکمرانی، شفافیت و پاسخگویی: یک مقایسه بین‌المللی" نشان دادند که استانداردهای گزارشگری مالی در سه حوزه خط‌مشی عمومی دولت عبارت از اصلاح مقررات، آموزش مهارت برای کارکنان بخش دولتی و بین‌المللی‌سازی فرآیندها می‌باشند.

^۱ - Walton, G. W.

^۲ - Ejiogu, A., Ejiogu, C., & Ambituuni, A.

^۳ - Bauhr, M., & Grimes, M.

^۴ - Bolívar, M. P. R., Galera, A. N., & Muñoz, L. A.

اهداف پژوهش

۲۹۷

شفافیت در سازمان‌های بخش عمومی خودبه خود ایجاد نمی‌شود و مستلزم اقدامات و اصلاحات اساسی و به خصوص یک مطالبه جمعی را می‌طلبد. از یکسو به الزاماتی همچون تدوین و تصویب زیرساختهای قانونی، فعال‌سازی واحدهای نظارتی و ارزیابی شفافیت و فرهنگ‌سازی اجتماعی و سازمانی و از سوی دیگر ایجاد یک فضای احترام به آزادی بیان و حق اظهارنظر و حق پاسخ‌خواهی و پاسخ‌گویی در ایجاد یک جامعه مشارکت محور نیاز دارد که دستاوردهای این تحقیق از منظر شناسایی ابعاد شفافیت مالی قدمی هر چند کوچک می‌تواند در این خصوص باشد. لذا بر این اساس، اهداف تحقیق به شرح ذیل می‌باشد:

هدف اصلی

هدف اصلی این تحقیق ارائه الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی با رویکرد تئوری داده بنیاد است. یافته‌های علمی این تحقیق می‌تواند سبب غنای دانش حسابداری در حوزه ابعاد شفافیت از منظر خط‌مشی‌گذاری شود.

اهداف کاربردی تحقیق

- ۱- شناسایی عوامل علی در الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.
- ۲- شناسایی عوامل مداخله‌گر در الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.
- ۳- شناسایی عوامل زمینه‌ای در الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.
- ۴- شناسایی راهبردها در الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.
- ۵- شناسایی پیامدها (آثار و نتایج) ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.
- ۶- بررسی روابط بین مؤلفه‌های الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی.

روش تحقیق

روش تحقیق حاضر به صورت آمیخته (کیفی و کمی) انجام شده است. جامعه مورد مطالعه در بخش کیفی شامل خبرگان، اساتید و صاحب‌نظران حوزه مالی و حسابداری است و در بخش کمی کارشناسان این حوزه می‌باشد. حجم نمونه مورد مطالعه در بخش کیفی با روش گلوله برفی و اشباع نظری انتخاب شده و در بخش کمی نمونه آماری ۳۰ نفر جهت تحلیل دیمتل تعیین گردید. جهت جمع‌آوری داده‌ها از مصاحبه نیمه ساختار یافته در بخش کیفی و در بخش کمی از پرسشنامه استفاده شده که روایی آن به صورت روایی محتوا توسط خبرگان مورد بررسی قرار گرفت. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها در بخش کیفی با استفاده از کدگذاری باز و محوری و گزینشی در نرم افزار مکس کیودا و در بخش کمی توسط دیمتل جهت تأیید مؤلفه‌ها و مدل استفاده شد.

۱- بخش کیفی

تعداد حجم نمونه در بخش کیفی به روش گلوله برفی و اشباع نظری ۱۳ نفر مشخص شد. ابزار جمع‌آوری داده‌ها شامل مصاحبه می‌باشد که توسط خبرگان با کمک تکنیک دلفی انجام شده است. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار مکس کیودا استفاده شد. در قدم اول، در پژوهش حاضر با استفاده از روش کتابخانه‌ای و مصاحبه با خبرگان و پیاده‌سازی آن در نرم افزار MAXQDA و انجام کدگذاری باز و محوری شاخص‌ها و مؤلفه‌ها شناسایی و تلخیص گردید و سپس با استفاده از روش دلفی، شاخص‌ها و مؤلفه‌ها به تأیید نهایی خبرگان رسیده و در مرحله بعد با استفاده از کدگذاری گزینشی، چارچوب نهایی مدل نهایی شکل گرفت.

مرحله اول: کدگذاری باز (اولیه)

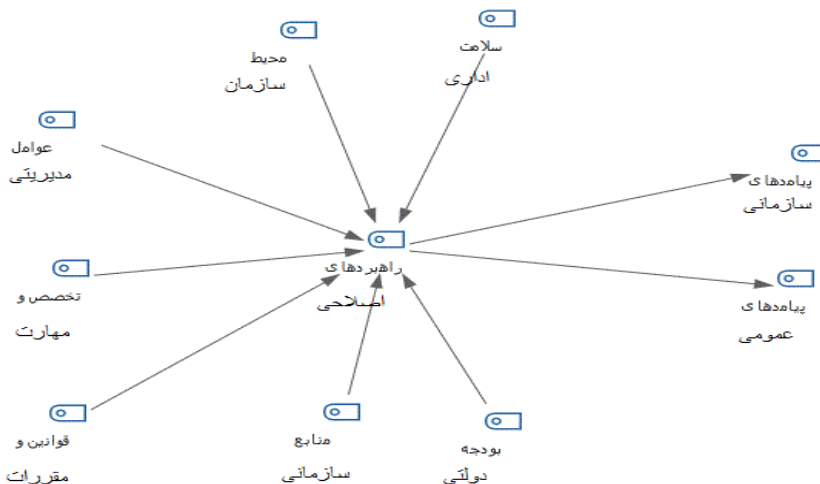
در نظریه‌پردازی داده‌محور کدگذاری باز فرآیندی تحلیلی بوده که در طی آن، مفاهیم شناسایی و بر اساس خصائص و ابعادشان بسط داده می‌شوند. مصاحبه‌های انجام شده با خبرگان به‌طور کامل به‌صورت مکتوب در نرم افزار MAXQDA اجرا شد و مفهوم اصلی از تک تک عبارات مصاحبه و متون مقالات مرتبط، استخراج و مفهوم‌پردازی شده و توسط کدها نام‌گذاری گردیدند. در این مرحله ۵۱ شاخص اولیه استخراج گردید.

مرحله دوم: کدگذاری محوری

اساس طبقه‌بندی در کدگذاری محوری، مطالعه پژوهش‌های پیشین و شناخت کافی و احاطه به موضوع و تسلط نظری به موضوع مورد مطالعه و دستیابی به بینشی به‌منظور یافتن مشترکات شاخص‌ها حول یک محور مشخص می‌باشد. در این مرحله، وجه اشتراک مفاهیم مشخص شده و دسته‌بندی صورت پذیرفته و در نتیجه مقوله و مؤلفه ایجاد می‌شوند. در این بخش محقق به مقوله‌پردازی می‌پردازد. در این مرحله ۱۰ مؤلفه شناسایی گردید. این مؤلفه‌ها شامل: ۱- عوامل مدیریتی؛ ۲- تخصص و مهارت؛ ۳- قوانین و مقررات؛ ۴- محیط سازمانی؛ ۵- سلامت اداری؛ ۶- بودجه دولتی؛ ۷- منابع سازمانی؛ ۸- راهبردهای اصلاحی؛ ۹- پیامدهای سازمانی و ۱۰- پیامدهای عمومی می‌باشد.

مرحله سوم: کدگذاری گزینشی (انتخابی)

در پایان جهت نشان دادن روابط میان مفاهیم و مؤلفه‌های به‌دست آمده، کدگذاری گزینشی انجام گرفت که در شکل ۲ خروجی نرم‌افزار MAXQDA^{۱۸} در کدگذاری گزینشی نشان داده شده است. با توجه به مفاهیم و مقوله‌ها مدل نظری به شکل زیر می‌باشد:



شکل ۲- مدل مفهومی تحقیق (منبع: یافته‌های تحقیق) در نرم افزار



گزارش فرآیند و نتایج روش دلفی

در فرآیند دلفی، جهت سنجش روایی شاخص‌ها و مؤلفه‌ها پس از کدگذاری باز و محوری، نظرات ۱۳ خبره طی سه مرحله با توزیع پرسشنامه به صورت بلی و یا خیر دریافت گردید و سپس با اختصاص امتیاز ۱ تا ۵ به میزان اهمیت هر شاخص به صورت خیلی کم (امتیاز ۱) تا خیلی زیاد (امتیاز ۵) و با در نظر گرفتن مبنای میانگین ≤ 3 به دلیل داشتن طیف لیکرت ۵ تایی برای پذیرش هر شاخص، تعدادی از شاخص‌ها حذف شدند و در نهایت، ۱۰ مؤلفه و ۵۱ شاخص به تأیید نهایی خبرگان رسید. نتایج به دست آمده از مراحل سه‌گانه دلفی و شاخص‌های بررسی و تأیید شده توسط خبرگان در جدول ۱- به صورت جمع‌بندی آورده شده است. همچنین درصد تأیید روایی صوری و محتوایی سؤالات پرسشنامه به شرح جدول ذیل می‌باشد:

جدول ۱: جمع‌بندی ادوار سه‌گانه تحقیق دلفی

مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم	درصد تأیید خبرگی
ارزیابی خط مشی‌های دیوان	عوامل مدیریتی	۱- گزارش تفریغ بودجه و حسابرسی،	٪۷۰
		۲- نظارت مداوم بر بودجه،	٪۷۰
		۳- پیگیری دیوان محاسبات،	٪۸۰
		۴- گزارش دهی مالی،	٪۹۰
		۵- تحلیل و مدیریت ریسک	٪۸۰
	تخصص و مهارت	۶- پیش بینی عملیاتی بودجه،	٪۷۰
		۷- کیفیت گزارش تفریغ بودجه،	٪۸۰
		۸- تخصص و مهارت مدیران،	٪۷۰
		۹- مدیران با تجربه و حرفه‌ای،	٪۷۰
		۱۰- تعامل مدیران با یکدیگر	٪۷۰
	قوانین و مقررات	۱۱- ساختار بودجه‌ای کشور،	٪۷۰
		۱۲- وجود قوانین خط‌مشی گذاری،	٪۷۰
		۱۳- وضع قانون و مقررات	٪۷۰
	محیط سازمانی	۱۴- عوامل سیاسی،	٪۷۰
		۱۵- عوامل اجتماعی،	٪۷۰
		۱۶- عوامل سازمانی،	٪۸۰
		۱۷- شرایط کاری کارکنان دیوان،	٪۷۰
		۱۸- حجم فعالیتهای کارکنان و وظایف محوله،	٪۷۰
		۱۹- عوامل اقتصادی،	٪۹۰
		۲۰- سطح دستیابی به اطلاعات،	٪۹۰



مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم	درصد تأیید خبرگی
	سلامت اداری	۲۱- سطح مشارکت دولت،	۸۰٪
		۲۲- مسئولیت پذیری دولت،	۱۰۰٪
		۲۳- محیط سالم سازمان،	۹۰٪
		۲۴- سلامت اداری در بحث خصوصی سازی،	۱۰۰٪
		۲۵- فضای مشارکتی سالم،	۱۰۰٪
	بودجه دولتی	۲۶- بودجه ریزی بر مبنای عملکرد،	۸۰٪
		۲۷- مفید بودن و قابل استفاده بودن گزارش تفریغ بودجه،	۷۰٪
		۲۸- ساختار بودجه و نظارت بر بودجه،	۸۰٪
	منابع سازمانی	۲۹- مدیریت ریسک،	۷۰٪
		۳۰- نیروی انسانی متخصص،	۸۰٪
		۳۱- فناوری اطلاعات،	۹۰٪
		۳۲- مدیریت بر عملکرد،	۷۰٪
		۳۳- کنترل های داخلی،	۸۰٪
		۳۴- وجود زیرساخت های مورد نیاز،	۷۰٪
		۳۵- منابع اطلاعاتی مفید و به موقع	۸۰٪
	راهبردهای اصلاحی	۳۶- فرایند اجرای عملیات اداری و سازمانی،	۷۰٪
		۳۷- راهبرد اصلاح نظام اداری،	۱۰۰٪
		۳۸- استفاده از ظرفیت های قانونی،	۹۰٪
		۳۹- ارتقای سطح پاسخگویی در بخش عمومی،	۸۰٪
		۴۰- راهبردهای اداری،	۸۰٪
	پیامدهای سازمانی	۴۱- راهبردهای فرایند محوردردیوان،	۸۰٪
		۴۲- اطلاعات خاص برای ذینفعان،	۷۰٪
		۴۳- مربوط بودن و مفید بودن گزارش ها،	۹۰٪
		۴۴- ارتقای نظارت،	۷۰٪
		۴۵- دستیابی به شفافیت مالی،	۸۰٪
		۴۶- اصلاح رویه های مالی،	۷۰٪
		۴۷- مشارکت مثبت و ارتقای آگاهی مدیران از قوانین،	۸۰٪
		۴۸- کاهش تعداد موارد انحراف و تخلفات اداری به دادسرای دیوان محاسبات،	۸۰٪
پیامدهای عمومی		۴۹- ارتقای پاسخگویی در بخش عمومی،	۹۰٪
		۵۰- بهینه سازی منابع عمومی،	۸۰٪



مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم	درصد تأیید خبرگی
		۵۱-ارتقاء و ایجاد اعتماد عمومی.	۷۰٪

۲- بخش کمی

در این تحقیق از روش دیمتل جهت تحلیل داده‌ها استفاده می‌گردد. روش دیمتل روشی شناخته شده و جامع برای به دست آوردن یک مدل ساختاری است که روابط متقابل بین عوامل پیچیده دنیای واقعی را فراهم می‌کند. روش دیمتل از سایر تکنیک‌ها مانند فرآیند تحلیلی سلسله مراتبی برتر است زیرا این امر وابستگی متقابل بین عوامل یک سیستم از طریق نمودار علی است که در تکنیک‌های سنتی نادیده گرفته شده است. روش دیمتل فازی به بررسی روابط بین معیارها و زیرمعیارها می‌پردازد و توسط ماتریس ارتباط کل معیارهای تأثیرگذار و تأثیرپذیر (یا به عبارتی دیگر معیارهای علی و معلول) را مشخص می‌سازد. این روش از روشهای تصمیم‌گیری چند شاخصه می‌باشد. همان‌طور که از نام این روش پیداست تمامی محاسبات در محیط فازی صورت می‌گیرد.

گام‌های روش دیمتل فازی: علم مدیریت فازی، به کارگیری علم مدیریت کلاسیک در محیط فازی است. در علم مدیریت کلاسیک، با استفاده از شیوه‌های عقلانی و سیستماتیک به تحلیل مسائل مدیریتی پرداخته می‌شود. از این رو، علم مدیریت فازی، ضمن ایجاد انعطاف‌پذیری در مدل، داده‌هایی نظیر دانش، تجربه و قضاوت انسانی را در مدل وارد کرده و پاسخ‌های کاملاً کاربردی را ارائه می‌دهد. امروزه، رویکرد فازی در اغلب روشهای تصمیم‌گیری وارد شده و ترکیبی از رویکرد فازی و روشهای تصمیم‌گیری در حال گسترش است. در این روش، از اعداد فازی برای بیان ارزش استفاده شده و در پایان، مدل فازی زدائی می‌گردد.

گام اول: تشکیل گروه خبرگان به منظور جمع‌آوری دانش گروهی آنها برای حل مسئله

گام دوم: تعیین معیارهای مورد ارزیابی و همچنین طراحی مقیاس‌های زبانی

گام سوم: ایجاد ماتریس فازی ارتباط مستقیم اولیه با جمع‌آوری نظرات خبرگان

گام چهارم: نرمال‌سازی ماتریس فازی ارتباط مستقیم

گام پنجم: محاسبه ماتریس فازی ارتباط کل.

گام ششم: ایجاد و تجزیه و تحلیل نمودار علی.

بحث و نتیجه گیری

۱- بخش کیفی

در بخش کیفی تحقیق، عوامل شناسایی شده به شرح ذیل می‌باشد:

۱- شرایط علی

شرایط علی مجموعه‌ای از وقایع و شرایط است که بر مقوله محوری اثر می‌گذارد. عبارت دیگر عوامل علی مجموعه‌ای از مفاهیم و مقوله‌ها است که منجر به توسعه معانی پدیده موردنظر می‌شوند. در این تحقیق، هر کدام از آن‌ها تشکیل یافته از زیرمجموعه‌های مقوله‌های فرعی است. مقوله‌های اصلی شناسایی شده، موارد زیر می‌باشد:

الف) عوامل مدیریتی:

شامل: ۱- گزارش تفریغ بودجه و حسابرسی، ۲- نظارت مداوم بر بودجه، ۳- پیگیری دیوان محاسبات، ۴- گزارش دهی مالی، ۵- تحلیل و مدیریت ریسک

ب) تخصص و مهارت:

شامل: ۱- پیش بینی عملیاتی بودجه، ۲- کیفیت گزارش تفریغ بودجه، ۳- تخصص و مهارت مدیران، ۴- مدیران با تجربه و حرفه‌ای، ۵- تعامل مدیران با یکدیگر

ج) قوانین و مقررات:

شامل: ۱- ساختار بودجه‌ای کشور، ۲- وجود قوانین خط‌مشی گذاری، ۳- وضع قانون و مقررات

جدول ۲- شرایط علی مربوط به الگوی ارزیابی خط‌مشی‌های دیوان

مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم
	عوامل مدیریتی	۱- گزارش تفریغ بودجه و حسابرسی، ۲- نظارت مداوم بر بودجه، ۳- پیگیری دیوان محاسبات، ۴- گزارش دهی مالی، ۵- تحلیل و مدیریت ریسک

مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم
ارزیابی خط مشی‌های دیوان	تخصص و مهارت	۱- پیش بینی عملیاتی بودجه، ۲- کیفیت گزارش تفریغ بودجه، ۳- تخصص و مهارت مدیران، ۴- مدیران با تجربه و حرفه‌ای، ۵- تعامل مدیران با یکدیگر
	قوانین و مقررات	۱- ساختار بودجه‌ای کشور، ۲- وجود قوانین خط‌مشی گذاری، ۳- وضع قانون و مقررات

۲- شرایط زمینه‌ای

شرایط زمینه‌ای، بستر و محل وقوع حادثه و وقایع متعلق به پدیده است که راهبردهای کنش و واکنش در آن شکل می‌گیرد (مشایخی، ۱۳۹۲). مصاحبه‌شوندگان معتقدند، مفاهیمی مانند اجرای نادرست روش‌های درست، اجرای ضعیف سیستم ارزیابی عملکرد، اعتقادات مذهبی ضعیف اشخاص، انعقاد قراردادهای نامتعارف و نامناسب، ایجاد بسترها وساختارهای کنترلی نامناسب، تکراری بودن سیستم کنترلی، ترجیح منافع شخصی برمنافع سازمان، حقوق و دستمزد نامناسب و نامتعارف باعث شکل‌گیری شرایط زمینه‌ای است. باین‌حال، یافته‌ها نشان می‌دهد، رفتار و برخورد نامناسب مدیران بالا دستی، عدم پابندی مدیران به اهداف و رسالت، زیاده خواهی و زیاده طلبی، عدم حمایت و همکاری مدیران، که ازعوامل مؤثربر پابندی مدیران است، نیز قادر است بسترساز این عوامل گردد. مقوله‌های اصلی شناسایی شده موارد زیر می‌باشد:

الف): محیط سازمانی:

شامل ۱- عوامل سیاسی، ۲-عوامل اجتماعی، ۳-عوامل سازمانی، ۴-شرایط کاری کارکنان دیوان، ۵-حجم فعالیتهای کارکنان و وظایف محوله، ۶-عوامل اقتصادی، ۷-سطح دستیابی به اطلاعات، ۸-سطح مشارکت دولت، ۹-مسئولیت پذیری دولت.

ب): سلامت اداری:

شامل ۱- محیط سالم سازمان، ۲- سلامت اداری در بحث خصوصی سازی، ۳- فضای مشارکتی سالم.

جدول ۳- بستریازمینه ای مربوط به ارزیابی خط مشی های دیوان

مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم
ارزیابی خط مشی های دیوان	محیط سازمانی	۱- عوامل سیاسی، ۲-عوامل اجتماعی، ۳-عوامل سازمانی، ۴-شرایط کاری کارکنان دیوان، ۵-حجم فعالیتهای کارکنان و وظایف محوله، ۶-عوامل اقتصادی، ۷-سطح دستیابی به اطلاعات، ۸-سطح مشارکت دولت، ۹-مسئولیت پذیری دولت.
	سلامت اداری	۱- محیط سالم سازمان، ۲-سلامت اداری در بحث خصوصی سازی، ۳-فضای مشارکتی سالم.

۳-شرایط مداخله گر

شرایط مداخله گر، شرایطی است که باعث شدت و ضعف پدیده اصلی می شوند. عمده شرایط مداخله گر در بحث آنتروپی رفتاری حسابرسان، ارتباطات و انتظارات است، ارتباطات شامل مقوله فرعی چون ارتباطات وروابط خارج از قاعده و قانون، انتظارات نیز شامل مقوله های فرعی چون انتظارات نامتعارف و توقعات نامعقول می باشد. عمده مفاهیم به دست آمده از مقوله ها به قرار زیر است:

الف: بودجه دولتی:

شامل ۱- بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، ۲-مفید بودن و قابل استفاده بودن گزارش تفریغ بودجه، ۳-ساختار بودجه و نظارت بر بودجه.

ب: منابع سازمانی:

شامل ۱- مدیریت ریسک، ۲-نیروی انسانی متخصص، ۳-فناوری اطلاعات، ۴-مدیریت بر عملکرد، ۵-کنترل های داخلی، ۶-وجود زیرساخت های مورد نیاز، ۷-منابع اطلاعاتی مفید و به موقع.

جدول ۴- شرایط مداخله‌ای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان

مقوله محوری	مقوله اصلی	مفاهیم
ارزیابی خط مشی‌های دیوان	بودجه دولتی	۱- بودجه ریزی بر مبنای عملکرد، ۲- مفید بودن و قابل استفاده بودن گزارش تفریغ بودجه، ۳- ساختار بودجه و نظارت بر بودجه.
	منابع سازمانی	۱- مدیریت ریسک، ۲- نیروی انسانی متخصص، ۳- فناوری اطلاعات، ۴- مدیریت بر عملکرد، ۵- کنترل‌های داخلی، ۶- وجود زیرساخت‌های مورد نیاز، ۷- منابع اطلاعاتی مفید و به موقع

۴- راهبردها و پیامدها

همان‌طور که در فصل سوم به آن اشاره شد، راهبردها از دو عامل مقوله مداخله‌گر و شرایط زمینه‌ای تأثیر می‌پذیرد و کنش‌ها و واکنش‌هایی هدفمند و بر اساس دلیل، به‌منظور کنترل و اداره پدیده موردنظر را انجام می‌دهد (مشایخی و همکاران، ۱۳۹۲). پیامدها نیز نتایج و خروجی به‌دست‌آمده از راهبردها هستند، که نتیجه عمل‌ها و واکنش‌ها است (بازرگان، ۱۳۸۷). جدول شماره ۴-۷ و ۴-۸ مفاهیم و مقوله‌های مرتبط با راهبردها و پیامدهای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان را ارائه می‌نماید. همان‌طور که مشاهده می‌شود:

الف - راهبردهای اصلاحی

شامل: ۱- فرایند اجرای عملیات اداری و سازمانی، ۲- راهبرد اصلاح نظام اداری، ۳- استفاده از ظرفیت‌های قانونی، ۴- ارتقای سطح پاسخگویی در بخش عمومی، ۵- راهبردهای اداری، ۶- راهبردهای فرایند محور در دیوان.

جدول ۵- راهبردهای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان

۵-

مفاهیم	مقوله اصلی	مقوله محوری
۱- فرایند اجرای عملیات اداری و سازمانی، ۲- راهبرد اصلاح نظام اداری، ۳- استفاده از ظرفیت‌های قانونی، ۴- ارتقای سطح پاسخگویی در بخش عمومی، ۵- راهبردهای اداری، ۶- راهبردهای فرایند محورد در دیوان.	راهبردهای اصلاحی	ارزیابی خط مشی‌های دیوان

پیامدهای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان :

پیامدهای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان نیز طبق نظرات جمع‌آوری شده، به قرار زیر است:

الف: پیامدهای سازمانی:

شامل: ۱- اطلاعات خاص برای ذینفعان، ۲- مربوط بودن و مفید بودن گزارش‌ها، ۳- ارتقای نظارت، ۴- دستیابی به شفافیت مالی، ۵- اصلاح رویه‌های مالی، ۶- مشارکت مثبت و ارتقای آگاهی مدیران از قوانین، ۷- کاهش تعداد موارد انحراف و تخلفات اداری به دادرسی دیوان محاسبات.

ب: پیامدهای عمومی:

شامل: ۱- ارتقای پاسخگویی در بخش عمومی، ۲- بهینه سازی منابع عمومی، ۳- ارتقاء و ایجاد اعتماد عمومی.

جدول ۶- پیامدهای مربوط به ارزیابی خط مشی‌های دیوان

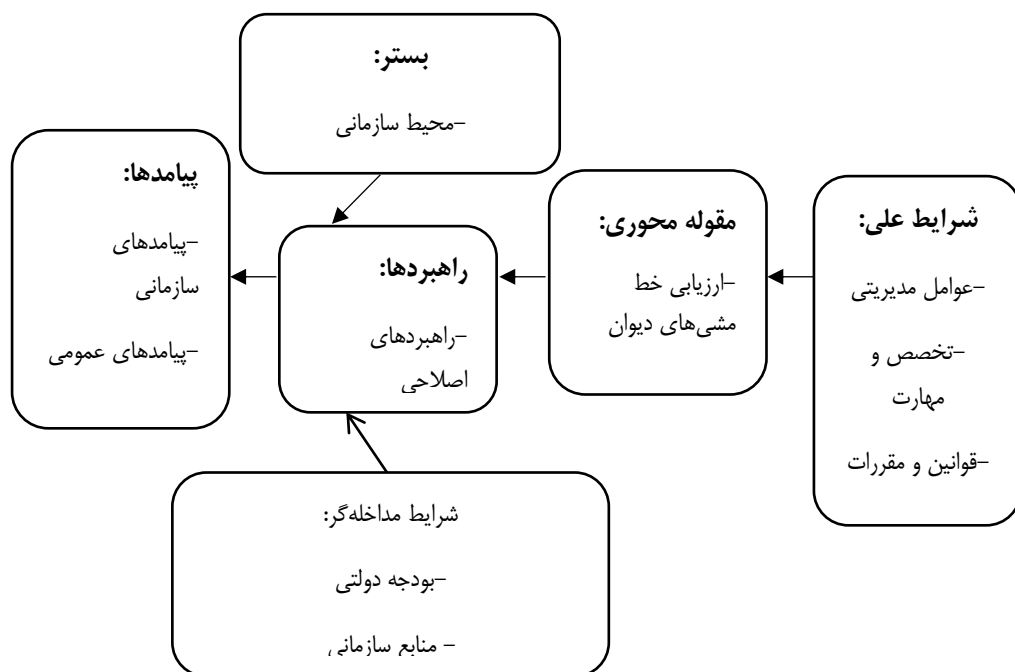
مفاهیم	مقوله اصلی	مقوله محوری
۱- اطلاعات خاص برای ذینفعان، ۲- مربوط بودن و مفید بودن گزارش‌ها، ۳- ارتقای نظارت، ۴- دستیابی به شفافیت مالی، ۵- اصلاح رویه‌های مالی، ۶- مشارکت مثبت و ارتقای آگاهی مدیران از قوانین، ۷- کاهش تعداد موارد انحراف و تخلفات اداری به دادرسی دیوان محاسبات.	پیامدهای سازمانی	ارزیابی خط مشی‌های دیوان



مفاهیم	مقاله اصلی	مقاله محوری
۱- ارتقای پاسخگویی در بخش عمومی، ۲- بهینه سازی منابع عمومی، ۳- ارتقاء و ایجاد اعتماد عمومی.	پیامدهای عمومی	

مدل ترسیمی

پس از نگارش نظریه، نتایج در قالب مدل ترسیمی ارائه می‌گردد. با توجه به اینکه در این پژوهش موضوع ارزیابی خط مشی‌های دیوان مطرح است و در فصل گذشته نیز توضیح داده شد، نتایج این پژوهش در قالب کدگذاری بصری و مجموعه‌ای از قضایا ارائه می‌گردد. لذا نگاره شماره ۴-۲ به‌عنوان مدل بصری ارزیابی خط مشی‌های دیوان ارائه می‌گردد.



شکل ۳- مدل بصری ارزیابی خط مشی‌های دیوان

۲- بخش کمی

محاسبه ماتریس ارتباط مستقیم (M)

ماتریس ارتباط مستقیم یا M را زمانیکه از دیدگاه چند کارشناس استفاده می‌شود از میانگین حسابی ساده نظرات استفاده می‌شود و تشکیل می‌دهیم. بعنوان مثال برای محاسبه اثرگذاری عامل A بر عامل B میانگین حسابی کلیه پاسخهای ارائه شده توسط خبرگان محاسبه و در ماتریس ارتباط مستقیم (M) درج می‌گردد:

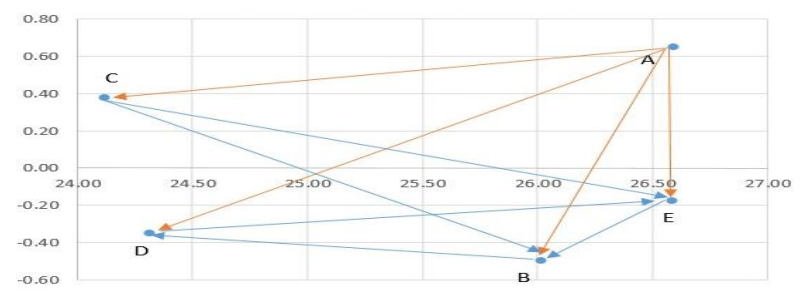
$$B \text{ بر } A \text{ اثرگذاری} = \frac{1}{30} \sum_{i=1}^{30} a_{ij}$$

بنابراین ماتریس ارتباط مستقیم (M) به صورت زیر تشکیل می‌گردد:

جدول شماره ۷- ماتریس ارتباط مستقیم (M)

میانگین	عوامل مدیریتی	تخصص و مهارت	قوانین و مقررات	محیط سازمانی	سلامت اداری
عوامل مدیریتی	۰,۰	۳,۰	۳,۰	۲,۵	۳,۱
تخصص و مهارت	۳,۰	۰,۰	۲,۲	۲,۴	۳,۰
قوانین و مقررات	۲,۶	۲,۹	۰,۰	۲,۳	۲,۳
محیط سازمانی	۲,۳	۲,۴	۲,۳	۰,۰	۲,۹
سلامت اداری	۳,۰	۲,۹	۲,۳	۳,۰	۰,۰

نمودار مربوط به مختصات معیارهای مورد بررسی



شکل ۴- مختصات معیارهای مؤثر بر سیستم

همانگونه که از نمودار فوق مشاهده می‌شود از میان کلیه معیارهای مورد بررسی، معیار A یعنی عوامل مدیریتی دارای بیشترین اثرگذاری (با توجه به اینکه مبدأ فلشهای خروجی از خود به سمت سایر معیارها می‌باشد) در میان سایر معیارها و معیار E یعنی سلامت اداری دارای بیشترین اثرپذیری (با توجه به اینکه مقصد فلشهای ورودی به خود از میان سایر معیارها می‌باشد) می‌باشند.

پیشنهادهای:

۱- بر اساس مؤلفه عوامل مدیریتی پیشنهاد می‌گردد گزارش تفریغ بودجه و حساسیت بالایی انجام شود، نظارت مداوم بر بودجه اعمال گردد، همچنین همواره دیوان محاسبات پیگیری‌های لازم برای شفافیت مالی را داشته باشد. گزارش دهی مالی بر اساس اصول خود و بدور از هر گونه سلیقه انجام گردد. همواره تحلیل و مدیریت ریسک توسط کارشناسان ذیصلاح انجام شود.

۲- بر اساس مؤلفه تخصص و مهارت پیشنهاد می‌گردد پیش بینی عملیاتی بودجه اساس برنامه‌های آینده قرار گیرد. گزارش تفریغ بودجه از کیفیت لازم برخوردار باشد، از مدیران با تخصص و مهارت بالا استفاده گردد، مدیران با تجربه و حرفه‌ای به کار گمارده شوند، مدیران با یکدیگر تعامل سازنده و نه تخریب کننده داشته باشند.

۳- بر اساس مؤلفه قوانین و مقررات پیشنهاد می‌گردد در ساختار بودجه‌ای کشور، قوانین دست و پا گیر را تعدیل نمایند، وجود قوانین خط‌مشی گذاری به سهولت و شفافیت مالی و گزارشدهی کمک نماید.

۴- بر اساس مؤلفه محیط سازمانی پیشنهاد می‌گردد از عوامل سیاسی، اجتماعی و سازمانی جهت شفاف سازی مالی و گزارشدهی استفاده گردد. شرایط کاری کارکنان دیوان بهبود یافته و مورد عنایت قرار بگیرد. حجم فعالیتهای کارکنان و وظایف محوله متعادل با توان و سواد مالی افراد باشد. عوامل اقتصادی همواره در نظر گرفته شود. سطح دستیابی به اطلاعات برای حسابرسان و کارشناسان مالی به صورت متعادل فراهم گردد. سطح مشارکت دولت مشخص باشد و سبب ارتقا شفافیت گردد. دولت در قبال شفاف سازی مسئولیت پذیر باشد.

۵- بر اساس مؤلفه سلامت اداری پیشنهاد می‌گردد به ایجاد محیط سالم سازمان با استفاده از مدیران و کارشناسان با اخلاق حرفه‌ای بالا بپردازند. در بحث خصوصی سازی به سلامت اداری توجه ویژه

داشته باشند. با ایجاد فضای مشارکتی سالم از طریق شفاف سازی تمام امور و وظایف محوله به سلامت سازمان بپردازند.

۶- بر اساس مؤلفه بودجه دولتی پیشنهاد می‌گردد بودجه ریزی بر مبنای عملکرد انجام گردد. همواره گزارش تفریغ بودجه مفید و قابل استفاده باشد. ساختار بودجه و نظارت بر بودجه همواره مورد توجه قرار گیرد.

۷- بر اساس مؤلفه منابع سازمانی پیشنهاد می‌گردد مدیریت ریسک انجام شده و از نیروی انسانی متخصص و فناوری اطلاعات استفاده شود. مدیریت بر عملکرد و کنترل‌های داخلی در راستای شفاف سازی صورت گیرد. زیرساخت‌های مورد نیاز فراهم شده و از منابع اطلاعاتی مفید و به موقع بهره‌گیری شود.

۸- بر اساس مؤلفه راهبردهای اصلاحی پیشنهاد می‌گردد فرایند اجرای عملیات اداری و سازمانی مورد توجه قرار گیرد. راهبرد اصلاح نظام اداری اتخاذ شده و از ظرفیت‌های قانونی استفاده گردد. به ارتقای سطح پاسخگویی در بخش عمومی پرداخته شده و راهبردهای اداری و فرایند محور در دیوان اجرایی و عملیاتی گردد.

۹- بر اساس مؤلفه پیامدهای سازمانی پیشنهاد می‌گردد اطلاعات خاص برای ذینفعان در دسترس قرار گرفته و مربوط بودن و مفید بودن گزارش‌ها رعایت گردد. همواره نظارت ارتقا یافته و به شفافیت مالی دسترسی ایجاد گردد. رویه‌های مالی اصلاح شده و مشارکت مثبت و ارتقای آگاهی مدیران از قوانین ایجاد گردد. همواره موارد انحراف و تخلفات اداری به دادسرای دیوان محاسبات ارجاع گردد.

۱۰- بر اساس مؤلفه پیامدهای عمومی پیشنهاد می‌گردد به ارتقای سطح پاسخگویی در بخش عمومی پرداخته شود. بهینه سازی منابع عمومی و ارتقاء اعتماد عمومی با استفاده از شفافیت مالی و حسابرسی و حذف قوانین دست و پا گیر می‌تواند ایجاد گردد.

همچنین جهت انجام تحقیقاتی در این حوزه در آینده، پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

۱- ارائه الگوی ارزیابی خط مشی‌های سازمان‌های دولتی و خصوصی با رویکرد ارتقا شفافیت مالی.

۲- مقایسه خط مشی‌های سازمان‌های دولتی و خصوصی در راستای ارتقا شفافیت مالی.

۳- بررسی الگوی ارزیابی خط مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی در بازه زمانی طولانی‌تر از تحقیق حاضر.

۴- مقایسه الگوی ارزیابی خط مشی‌های دیوان محاسبات کشور مبتنی بر ابعاد شفافیت مالی در بین دولت‌های قبلی و کنونی.



۱. آهني، منا؛ موسی‌خانی، مرتضی؛ نجف‌بیگی، رضا؛ افشار کاظمی، محمدعلی. (۱۳۹۸). تحلیل خوشه‌ای جایگاه ایران در جهان و روندهای آتی مبتنی بر مولفه‌های حکمرانی خوب. فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال ۳۰، شماره ۱۱۶، صص ۹۹-۱۱۸.
۲. ابراهیمی، سیدعباس؛ عین‌علی، محسن. (۱۳۹۸). ارائه چارچوبی برای تسخیر خط‌مشی‌های عمومی با کاربست تحلیل مضمون و مدل‌سازی ساختاری - تفسیری. فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۳، صص ۱۰۳-۱۳۰.
۳. الوانی، مهدی. (۱۳۹۵). تصمیم‌گیری و تعیین خط‌مشی دولتی. تهران: انتشارات سمت.
۴. امیری، سیدخسرو؛ رضایی، فرزین؛ خلعتبری لیماکی، عبدالصمد. (۱۳۹۹). تأثیر حاکمیت شرکتی بر رابطه بین ویژگی‌های رفتاری مدیران و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی، دانش حسابرسي، سال ۲۰، شماره ۷۸، صص ۴۰-۷۵.
۵. امینی‌شاد، علی؛ منوریان، عباس؛ امیری، مجتبی. (۱۳۹۸). طراحی الگوی حکمرانی خوب در شهرداری تهران. آینده‌پژوهی مدیریت (پژوهش‌های مدیریت)، دوره ۳۰، شماره ۸، صص ۱-۲۲.
۶. امینی‌نژاد، غلامرضا؛ یزدان‌پناه، عنایت‌الله؛ بهرامیان، حسین. (۱۳۹۷). سنجش میزان رضایت از خدمات رفاه عمومی در نظام کاربری اراضی شهر بندر دیر استان بوشهر، فصلنامه علمی-پژوهشی نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال ۱۰، شماره ۳، صص ۹۱-۱۰۸.
۷. پورعزت، علی‌اصغر؛ هاشمی‌کاسوایی، مینا. (۱۳۹۶). مسئله عمومی چالش آغازین خط‌مشی‌گذاری دولتی. تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
۸. حاجت‌پور، سارا؛ دانش‌فرد، کرم‌اله؛ امیرنژاد، قنبر؛ تابان، محمد. (۱۳۹۶). ارائه مدلی برای ارزیابی خط‌مشی‌های عمومی (پس از اجرا) با رویکرد حکمرانی شبکه. فصلنامه خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۱۳-۲۵.
۹. حاجی‌پور، ابراهیم؛ فروزند، لطف‌الله؛ دانایی‌فرد، حسن؛ فانی، اصغر. (۱۳۹۴). طراحی الگوی آسیب‌شناسی اجرای خط‌مشی عمومی در ایران. فصلنامه مدیریت نظامی، دوره ۱۵، شماره ۵۸، صص ۱-۲۳.
۱۰. دانایی‌فرد، حسن؛ باباشاهی، جبار؛ آذر، عادل؛ کردنائیچ، اسدالله. (۱۳۹۱). تحول در رفاه ملی: آیا حکمرانی خوب نقش مهمی ایفا می‌کند؟ پژوهش‌های مدیریت در ایران، دوره ۱۶، شماره ۴، صص ۴۵-۶۲.
۱۱. دانش‌فرد، کرم‌اله؛ ابوالمعالی، فاطمه‌السادات. (۱۳۹۵). نقش اتاق فکر بر تشخیص مسئله خط‌مشی‌های بانک رفاه کارگران. فصلنامه آینده‌پژوهی مدیریت، سال ۲۷، شماره ۱۰۶، صص ۸۵-۹۶.
۱۲. دانش‌فرد، کرم‌اله؛ رجایی، زهرا. (۱۳۹۷). "راهبردهای شکل‌گیری مؤثر خط‌مشی در حیطه سلامت نظام اداری"، پژوهش‌های مدیریت راهبردی، سال ۲۴، شماره ۶۸، صص: ۶۵-۸۷.
۱۳. دیهیم‌پور، مهدی؛ میاندراری، کمال؛ نجاری، رضا؛ عابدی جعفری، حسن. (۱۳۹۷). طراحی مدل افزایش شفافیت سازمانی با رویکرد داده‌بنیاد در سازمان‌های دولتی، فصلنامه علمی پژوهشی آموزش علوم دریایی، شماره ۱۲، صص ۹۵-۱۱۰.
۱۴. سلیمانی‌خوئینی، مهدی؛ دانش‌فرد، کرم‌اله؛ نجف‌بیگی، رضا. (۱۳۹۸). الگوی اقتضایی شناسایی مسائل عمومی در فرایند خط‌مشی‌گذاری ایران با تأکید بر عوامل پیش‌ران، مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۴، صص ۵۳۰-۵۵۶.
۱۵. سیار، محمدجواد. (۱۳۹۹). نقش قانون مدیریت خدمات کشوری در تحقق حکمرانی خوب، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، شیراز، دانشگاه پیام نور استان فارس-مرکز توسعه آموزش‌های نوین ایران (متنا).

۱۶. سیدنقوی، میرعلی؛ فراهانی، فاطمه. (۱۳۹۲). ایجاد استراتژی مناسب و ارتقای شفافیت سازمانی از طریق رهبری نوآور، فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات مدیریت (بهبود و تحول)، سال ۲۳، شماره ۷۲، صص ۷۵-۹۷.
۱۷. شیخ‌پور، مهدیه؛ سلاجقه، سنجر. (۱۳۹۶). وضعیت مسئله‌یابی رسمی و میزان اجرای خط‌مشی‌های عمومی (مورد مطالعه: وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی). فصلنامه رسالت مدیریت دولتی، سال ۸، شماره ۲۷، صص ۵۱-۶۳.
۱۸. عیوضی، محمدرحیم؛ مرزبان، نازنین؛ صالحی، معصومه. (۱۳۹۶). از بررسی حکمرانی خوب تا الگوی حکمرانی پایدار. فصلنامه راهبرد، سال ۲۶، شماره ۸۵، صص ۵۵-۸۵.
۱۹. گرجی‌پور، حسین؛ خاشعی، وحید؛ اسلامبولچی، علیرضا؛ اصغری‌صارم، علی. (۱۳۹۸). الگوی ارزشیابی فرایند خط‌مشی‌گذاری فرهنگی با رویکرد مطالعه کیفی اسناد فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مدیریت دولتی، دوره ۱۱، شماره ۱، صص ۴۷-۷۲.
۲۰. مصطفی‌روزی، علی؛ تیمورنژاد، کاوه؛ ربیعی‌مندجین، محمدرضا. (۱۳۹۸). ارائه الگوی خط‌مشی‌گذاری توسعه منابع انسانی با تاکید بر نقش‌های بازیگران و ترسیم روابط میان مولفه‌های الگو در دستگاه‌های دولتی ایران. مجله توانمندسازی سرمایه انسانی، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۶۵-۲۸۴.
۲۱. مهینی‌زاده، منصور؛ یآوری، کاظم؛ جلالی، سیدعبدالمجید؛ جعفرزاده، بهروز. (۱۳۹۸). تأثیر تغییرات ساختاری بر رفاه اقتصادی در ایران، رهیافت مدل‌های تعادل عمومی محاسبه‌پذیر. فصلنامه اقتصاد مالی، سال ۱۳، شماره ۴۸، صص ۱۶۷-۱۸۹.
۲۲. Bauhr, M., & Grimes, M. (۲۰۱۷). Transparency to curb corruption? Concepts, measures and empirical merit. *Crime, Law and Social Change*, ۶۸(۴), ۴۳۱-۴۵۸.
۲۳. Bolívar, M. P. R., Galera, A. N., & Muñoz, L. A. (۲۰۱۵). Governance, transparency and accountability: An international comparison. *Journal of Policy Modeling*, ۳۷(۱), ۱۳۶-۱۷۴.
۲۴. Bridgman, P., & Davis, G. (۲۰۰۳). What use is a policy cycle? Plenty, if the aim is clear. *Australian Journal of Public Administration*, ۶۲(۳), ۹۸-۱۰۲.
۲۵. Demerjian, P., Lewis-Western, M., & McVay, S. (۲۰۱۷). How does intentional earnings smoothing vary with managerial ability?. *Journal of Accounting, Auditing & Finance*, ۰۱۴۸۵۵۸X۱۷۷۴۸۴۰۵.
۲۶. Ejiogu, A., Ejiogu, C., & Ambituuni, A. (۲۰۱۹). The dark side of transparency: Does the Nigeria extractive industries transparency initiative help or hinder accountability and corruption control?. *The British Accounting Review*, ۵۱(۵), ۱۰۰۸۱۱.
۲۷. Gounopoulos, D., & Pham, H. (۲۰۱۷). Financial Expert CEOs and Earnings Management around Initial Public Offerings (IPOs). *Working Paper*, University of Bath.
۲۸. Holland, D., Krause, A., Provencher, J., & Seltzer, T. (۲۰۱۸). Transparency tested: The influence of message features on public perceptions of organizational transparency. *Public Relations Review*, ۴۴(۲), ۲۵۶-۲۶۴.
۲۹. KEPING, Y. F. (۲۰۱۸). Governance and Good Governance: A New Framework for Political Analysis. *Journal of the Humanities and Social Sciences*. Vol. ۱۱, No. ۱. pp. ۱۰۸.
۳۰. Pollack Porter, K. M., Rutkow, L., & McGinty, E. E. (۲۰۱۸). The importance of policy change for addressing public health problems. *Public Health Reports*, ۱۳۳(۱۰۰۰۰۰۰۰), ۹۰-۱۴۰.
۳۱. Timmons, J. F., & Garfias, F. (۲۰۱۵). Revealed corruption, taxation, and fiscal accountability: Evidence from Brazil. *World Development*, ۷۰, ۱۳-۲۷.

۳۲. Walton, G. W. (۲۰۲۰). Good Governance, Corruption, and Papua New Guinea's Public Service. The Palgrave Handbook of the Public Servant, ۱-۱۹.
۳۳. Williams, A. (۲۰۱۵). A global index of information transparency and accountability. Journal of Comparative Economics, ۴۳(۳), ۸۰۴-۸۲۴.
۳۴. Zlătescu, I., & Marinică, C. E. (۲۰۲۰). GOOD GOVERNANCE AND HAPPINESS OF CITIZENS. Fiat Iustitia, (۱), ۱۸۹-۱۹۶.